آموزش شاگردان برای آموزش
جلسه ۴: شاگردی چیست؟ (۲C)

ارائه شده توسط ران لایولی، BiblicalMentoring.org – M.A.، M.Div. (مطالعات).

مرحله ۱: دعای افتتاحیه

مرحله ۲: هر فرد آیه خاطره را نقل می کند: آیه: **یوحنا ۱۵:۸**
8 به این پدر من جلال یافته است که شما میوه های فراوانی می آورید و شاگردان من هستید.

مرحله ۳: *خواندن و بحث درباره تمام یا بخشی از فصل کتاب مقدس – **یوحنا ۱۵***

مرحله ۴: سوالات برای درخواست های شخصی و/یا بحث های گروهی:

1. تولید مثل طبق فرمان مسیح یعنی بازتولید کامل بودن خدا در دیگران. این برای مربی چه شکلی است؟ کارآموز؟
2. کتاب مقدس روشن می کند که وقتی یک تاک (یا شاگرد) میوه نمی دهد (شاگردان دیگر را تولید مثل می کند) چه اتفاق می افتد. چه اتفاق برای تاک میوه ای که میوه می دهد رخ می دهد؟
3. BiblicalMentoring.org درباره «آموزش شاگردان تولیدمثل» است (آموزش شاگردان برای آموزش دیگران). آیا در حال حاضر کسی را آموزش می دهید تا سازنده شاگرد دیگری را آموزش دهد؟
4. خدا فرآیند شاگردی را به عنوان روش ترجیحی برای گسترش پادشاهی خود انتخاب کرد. چرا فکر می کنید تعداد کمی از ما این فرمان یا مأموریت را اطاعت می کنیم؟
5. آموزش شاگردی یک به یک به نظر روشی کند می آید اما صبر کنید تا مدرک آن را ببینید که در طول زمان نتایج عمده ای به همراه دارد.

مرحله ۵: *محتوای کتاب را بخوانید و بحث کنید:*

فصل ۲ج به گفته نویسنده – کیت فیلیپس:

تولید مثل

مسیح به شاگردانش فرمان داد که در دیگران کمال زندگی را که در او یافتند، بازتولید کنند (یوحنا ۱۵:۸). او هشدار داد که «هر شاخه ای در من که میوه نمی دهد، [پدرم] می گیرد؛ و هر شاخه ای که میوه می دهد، آن را هرس می کند تا میوه بیشتری بدهد» (یوحنا ۲:۱۵).
یک شاگرد بالغ باید به دیگر مؤمنان بیاموزد که چگونه زندگی ای مورد رضایت خدا داشته باشند و آن ها را مجهز کند تا دیگران را برای آموزش دیگران آموزش دهند. هیچ فردی هدف خود نیست. هر شاگرد بخشی از یک فرایند است، بخشی از روش برگزیده خدا برای گسترش پادشاهی اش از طریق تولید مثل. ما این را می دانیم چون مسیح مردان را شاگردان کرد و به شاگردانش فرمان داد شاگردان بسازند (متی ۱۹:۲۸).
خدا می توانست هر روشی را که می خواست برای گسترش انجیل و ساختن پادشاهی خود انتخاب کند. تصادفی نبود که یونانی زبان مشترک جهان مدت ها پس از سقوط آن امپراتوری بود. زبان یونانی دارای ظرافت هایی است که آن را برای انتقال حقیقت ایده آل می کند.
همچنین، بزرگراه های امپراتوری روم که جهان شناخته شده را متحد می کردند ممکن است برای حمل ارابه های او در نظر گرفته شده باشند، اما انجیل مسیحی ارزشمندترین تجارت آن ها بود.
همان طور که خدا یونان و روم را به عنوان ابزارهایی ناخواسته برای گسترش انجیل استفاده کرد، می توانست باعث اختراع چاپخانه، رادیو یا حتی تلویزیون پیش از تولد مسیح شود. عیسی می توانست نویسنده ای مشهور، معلم رادیویی کتاب مقدس یا نخستین مبلغ تلویزیونی باشد. گزینه های خدا محدود نبود.
اما به جای پذیرش هر یک از این روش های پیچیده، عیسی شاگردی را انتخاب کرد. او شخصا گروه کوچکی از مردان را آموزش داد و آن ها را برای آموزش دیگران تجهیز کرد. او به آن ها فرمان داد که شاگرد بسازند.
باید اعتراف کنم که در ابتدا به حکمت مسیح شک داشتم. در ظاهر، این سرمایه گذاری در افراد بسیار کند به نظر می رسید. عیسی سه سال طول کشید تا دوازده مرد را شاگردی کند و یکی از آن ها شکست خورد.

فکر می کردم خوش شانس خواهم بود اگر در سه سال بتوانم یک نفر را آنقدر خوب آموزش دهم که او هم به من در آموزش دیگران بپیوندد و با این سرعت هرگز نتوانم در جمعیت دو میلیون نفری در گتو لس آنجلس تأثیر بگذارم. در بهترین حالت فقط می توانستم انتظار داشته باشم که در طول عمرم شانزده نفر را شاگردی کنم. و این چه فایده ای داشت؟ گناه من این بود که به حکمت و حاکمیت خدا شک داشتم.

اما وقتی شاگردی را مطالعه کردم، دریافتم که خداوند راهی محکم و مؤثر برای ساختن پادشاهی خود انتخاب کرده است. این پادشاهی کوچک آغاز می شود، مانند دانه خردل، اما با گسترش سریع از فردی به فرد دیگر در سراسر جهان. کلیسای او یک حرکت پویا خواهد بود، نه یک ساختار ایستا. شاگردی تنها راه تولید هم کمیت و هم کیفیت مؤمنانی است که خدا می خواهد.

ریاضیات درست است

می توانید تصور کنید که بتوانید انجیل را به بیش از ۴ میلیارد نفر برسانید؟ این وظیفه انجام مأموریت بزرگ آن قدر عظیم به نظر می رسد که حتی رؤیاپردازان هم ممکن است غافلگیر شوند و در نهایت هیچ کاری نکنند. اما کتاب مقدس هم یک کتاب روش است و هم یک کتاب پیام. و روش مسیح این است که شاگرد بسازد.

وقتی به گتو آمدم، علاقه زیادی به بشارت داشتم. فرض کنید در روز اول یک نفر را به سوی مسیح هدایت کردم. سپس، هر روز برای بقیه سال، فرد دیگری را به سوی مسیح هدایت کردم. تا پایان سال، ۳۶۵ نفر را به سوی خداوند هدایت می کردم. اگر این کار را برای سی و دو سال آینده ادامه می دادم، به ۱۱۶۸۰ نفر می رسیدم. دستاورد بزرگی بود!

از سوی دیگر، فرض کنید در همان سال اول فقط یک نفر را برای مسیح به دست آوردم. این بار، اما، او را به مدت یک سال کامل شاگردی کردم تا کاملا در ایمان مسیحی ریشه دار شود و قادر به رسیدن و شاگردسازی دیگری گردد. سال بعد هر یک از ما یک نفر دیگر را پیدا کردیم و آن دو را آموزش دادیم تا در آموزش دیگران به ما بپیوندند. اگر این روند را سی و دو سال ادامه دهیم، ۴,۲۹۴,۹۶۷,۲۹۶ شاگرد خواهیم داشت—جمعیت جهان! (جدول ۱ را ببینید.)

من به تردید اولیه ام اشاره کردم. اما اجازه دهید هیجان خود را اکنون به اشتراک بگذارم. اگر هر یک از اعضای فعلی کارکنان ما در لس آنجلس هر دو سال یک نفر را آنقدر خوب تربیت کنند که شاگردانشان بتوانند در آموزش دیگران به ما بپیوندند، می توانیم در سی و دو سال به کل گتو لس آنجلس—دو میلیون نفر—برسیم. این یعنی من فقط باید در سی و دو سال روی شانزده نفر سرمایه گذاری کنم. و این کار قابل مدیریت است.

اگرچه شاگردی آهسته آغاز می شود، اما در بلندمدت تکثیر معنوی در همان مدت زمان به افراد بسیار بیشتری نسبت به جمع می رسد.

مأموریت بزرگ شدنی است!

(صفحات ۲۰ب-۲۴الف)

جدول ۱ را در صفحه بعد ببینید

جدول ۱

مقایسه شاگردگری و تبلیغ

شاگرد	مبلغ	سال
2	365	1
4	730	2
8	1,095	3
16	1,460	4
32	1,825	5
64	2,190	6
128	2,555	7
256	2,920	8
512	3,285	9
1,024	3,650	10
2,048	4,015	11
4,096	4,380	12
8,192	4,745	13
16,384	5,110	14
32,768	5,475	15
65,536	5,840	16

17	6,205	131,072
18	6,570	262,144
19	6,935	524,288
20	7,300	1,048,576
21	7,665	2,097,152
22	8,030	4,194,304
23	8,395	8,388,608
24	8,760	16,777,216
25	9,125	33,554,432
26	9,490	67,108,864
27	9,855	134,217,728
28	10,220	268,435,456
29	10,585	536,870,912
30	10,950	1,073,741,824
31	11,315	2,147,483,648
32	11,680	4,294,967,296

مرحله ۶: درخواست های دعای شخصی خود را به اشتراک بگذارید و هر برای درخواست های دیگری دعا کند.

منبع: ساخت یک شاگرد نوشته دکتر کیت فیلیپس. انتشارات شرکت فلمینگ اچ. رول، ۱۹۸۱. شابک 0-8007-1181-5. مقدمه از رابرت ای. کولمن. محتوا (به جز سوالات مطالعه) بدون بازبینی از کتاب گرفته شده است.

20261011 بازنگری شده